

نمونه فایل ترجمه آلفونسو مورنو : 1

برای خرید پکیج کامل پرایس اکشن Set & Forget
اثر آلفونسو مورنو به سایت نئوویو سنتر به آدرس
www.neowave.ir رجوع فرمایید

نئوویو سنتر

1. مقدمه

اول از همه اجازه دهید خودم و رویکرد Set & Forget (تنظیم کن و فراموش کن) را برای



معامله‌گری در بازارهای مالی معرفی کنم. نام من آلفونسو مورنو (Alfonso Moreno) است. من یک معامله‌گر تمام‌وقت، کارشناس تحلیل تکنیکال و بنیان‌گذار انجمن معامله‌گری آنلاین Set & Forget عرضه و تقاضا از اکتبر 2013 تاکنون هستم. من در بازارهای مالی تنها با استفاده از Imbalance (عدم توازن-عدم تعادل) در عرضه و تقاضا معامله می‌کنم، یک استراتژی اختصاصی که طی

سال‌ها آن را توسعه داده‌ام و در نقاط چرخش هر بازاری که معامله‌گران حرفه‌ای و مؤسسه‌ای (حقوقی) معاملات خود را برنامه‌ریزی می‌کنند کاربرد دارد.

من شاید مانند بعضی از شما هر کاری را در زندگی خود انجام داده‌ام. من معلم رقص سالسا، صندوق‌دار کازینو، طراح وب و عکاس بوده‌ام، اکثر این مشاغل ربطی به یکدیگر ندارند ولی دارای یک وجه مشترک هستند، آنها همیشه به من اجازه داده‌اند که کاری را انجام دهم که عاشق آن هستم و به آن علاقه دارم. معامله‌گری چیزی نیست که من عاشق آن باشم ولی کمک می‌کند تا علاقه‌مندی‌های خود را دنبال کنم و به انجام برسانم. مانند تمام معامله‌گران دیگر، تقریباً تمام مراحل شناخته شده را گذرانده‌ام، از معامله‌گری میان‌روزی و به روش اسکالپ (Scalp) گرفته تا افزودن همه‌نوع اندیکاتورهای رنگارنگ و دارای تأخیر به نمودارهای خود که به سختی به من اجازه دیدن کندل‌استیک‌ها را می‌دادند.

یک معلم رقص سابق و عکاس چگونه می‌تواند به شما درس معامله‌گری و اقتصاد بدهد؟ خوب، چرا که نه؟ ساده است. من خودم به تنهایی زمان زیادی را صرف مطالعه نمودارها کرده‌ام و با قوانینی روبرو شده‌ام که به من کمک کرده‌اند تا درک کنم که بازارها در بیشتر اوقات چگونه حرکت می‌کنند. برای اینکه یک معامله‌گر باشید، حتماً نیاز نیست که دکتری داشته باشید یا اینکه یک بانکدار باشید. آن مدارج علمی و اجتماعی در واقع یک نقص محسوب می‌شوند زیرا مغز شما مملو از دانش و اصولی می‌شود که برای معامله کردن و پول به دست آوردن با استفاده از پیش‌بینی بازارها واقعاً به آنها نیازی ندارید.

زمان و تجربه به همه ما کمک می‌کنند تا در کار خود رشد داشته باشیم. در سال‌هایی که من معامله‌گر بوده‌ام، رشد و پیشرفت زیادی داشته‌ام. ارزیابی من به من کمک می‌کند تا به این درک برسم که معامله در

تایم فریم‌های بالاتر چیزی است که با خصوصیات من همخوانی دارد. آیا این به معنی آن است که تایم فریم‌های کوچک‌تر مفید نیستند؟ ابدأ، معنی آن این است که من زمان بیشتری دارم تا با خانواده و دوستانم سپری کنم. پول مهم است ولی مهمترین مسئله زندگی نیست. پول زیاد و شغل خوب الزاماً شما را خوشبخت‌تر نمی‌کند اما به خوشبخت شدن شما کمک زیادی می‌کند. ما پول زیاد، خانه بزرگ و ماشین خوب را برای چه کاری می‌خواهیم؟ برای پُر دادن به همسایه‌ها و دوستانمان؟ تا نسبت به خودمان حس خوبی داشته باشیم و نفس اماره خود را تغذیه کنیم؟ من نفس اماره را تحت کنترل خود دارم و برای اینکه یک معامله‌گر خوب و انسان بهتری باشم و به این چیزها (پول و...) نیازی ندارم.

در اوایل دوران معامله‌گری از تایم فریم‌های کوچک‌تری مانند پنج دقیقه‌ای و پانزده دقیقه‌ای در استراتژی شخص دیگری استفاده می‌کردم که این استراتژی از Bollinger Bands، MACD و تلاقی EMA با دوره 6 و 12 بهره می‌برد تا موقعیت‌های جدیدی اتخاذ نماید. باید بگویم که با این روش چند ماه کار کردم ولی در طول روز ساعات زیادی را صرف پایش نمودارها می‌کردم، این کار واقعاً پر استرس بود. تمرین و خصوصیات فردی نیاز است و زندگی به خودی خود همه چیز را در شرایط مربوطه قرار می‌دهد، من نفهمیدم که دنبال چه چیزی هستم تا اینکه درباره عرضه و تقاضا چیزهایی را شنیدم.

دور ماندن از نمودارها و اجازه تنفس دادن به معامله چیزی است که ما به عنوان معامله‌گر اغلب از آن غافل می‌شویم. همه ما باید با آن استراتژی معاملاتی که با خصوصیات فردی ما مطابقت دارد معامله کنیم، ما باید با قوانین و زمانی که برای به کار بردن آن قوانین سپری می‌کنیم راحت باشیم. ما باید نیازهای خود را اولویت‌بندی کنیم، ما باید چرای خودمان را پیدا کنیم. چرا می‌خواهید معامله‌گر شوید؟ تنها برای به دست آوردن پول؟ این دلیل کفایت نمی‌کند، همه پول و شغل خوب را دوست دارند. چیز دیگری باید باشد، باید به خودتان توجه کنید و در ابتدا بدانید که چرا می‌خواهید معامله‌گر شوید و سپس استراتژی مناسبی که با شخصیت شما مطابقت داشته باشد و زمان کافی برای خوش گذراندن با افرادی که دوستشان دارید را به شما بدهد. دوستان من، تمام چیزی که مهم است اختصاص زمانی برای عشق ورزیدن و عشق گرفتن است.

من قبلاً زیاد معامله می‌کردم و تلاش می‌کردم که در هر ماه به سود چهار تا شش درصدی و حتی بیشتر برسم. این قسمت کوچکی از یک دیدگاه غیر واقع‌گرایانه است. اکنون می‌دانم که چه می‌خواهم و چگونه باید آن را انجام دهم. من بر اساس عرضه و تقاضا استراتژی مخصوص به خودم را توسعه داده‌ام، در این کار استاد شده‌ام و این تمام چیزی است که به آن نیاز دارم. من به ایده معامله‌گری کسی اهمیت نمی‌دهم یا از آن پیروی نمی‌کنم، فقط بر روی قوانین، پلان معاملاتی (Trading Plan) و ستاپ‌های خود تمرکز می‌کنم و اخبار و عوامل بنیادی را به کلی نادیده می‌گیرم چرا که بدون استفاده از این عوامل به این قوانین رسیده‌ام. اکنون چرا باید از عوامل بنیادی استفاده نمایم؟ این بسیار احمقانه می‌شود، علاوه بر این معمولا Imbalance‌های قدرتمند بر تمام ارزش‌گذاری‌های بنیادی غلبه می‌کند، باید تنها به نمودارها توجه کنید و

ببینید وقتی که خبری منتشر می‌شود یا اینکه سودی برای یک سهم مشخص منتشر می‌شود روی آن نمودارها چه اتفاقی رخ می‌دهد.

نئوویو سنتر

نمونه فایل ترجمه آفونسو مورنو : 2



نئوویو سنتر

گپ‌ها قوی‌ترین شکل Imbalance هستند

گپ به معنای Imbalance فوق‌العاده است، فشار خرید یا فروش آنقدر شدید است که سفارشات انجام نمی‌گیرند، بنابراین یک گپ صعودی یا نزولی ایجاد می‌شود. این گپ‌ها محدوده‌های خالی هستند که هیچگونه رفتاری از قیمت در داخل آنها صورت نمی‌گیرد. گپ‌ها معمولاً (نه همیشه) در مدت کوتاهی پس از ایجاد شدن پر می‌شوند.

گپ‌های قیمتی یک موقعیت بسیار عالی هستند زیرا می‌توان آنها را هم به عنوان ساختار Imbalance قدرتمند و هم تصویری از سردرگمی، ترس و به احتمال زیاد طمع دانست. شما می‌توانید آنها را به هر شکلی که دوست دارید مشاهده کنید، اما در واقع گپ‌ها فضاهای خالی در نمودار قیمتی هستند که در آنها فشار عرضه/تقاضا به حدی بالا است که سفارشات نمی‌توانند در بهترین قیمت انجام گیرند. همه گپ‌ها یک پیام مشابه را ارسال نمی‌کنند. ابتدا باید تحلیل از بالا به پایین (بر حسب توالی تایم‌فریم‌ها) خود را انجام دهیم. پس از انجام این کار می‌توانیم از این اطلاعات برای شناسایی عملکرد معامله‌گران حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای استفاده کنیم، بنابراین می‌توانیم معامله‌های کم ریسک با بازده و احتمال بالا همسو با معامله‌گران حرفه‌ای انجام دهیم.

گپ‌ها بارزترین راه برای شناسایی یک معامله‌گر غیرحرفه‌ای (تازه‌کار) هستند، همان کسی که دوست داریم در طرف دیگر معاملات قرار گیرد. به خاطر داشته باشید، اگر نمی‌توانید معامله‌گران حرفه‌ای را شناسایی کنید، در نتیجه شما یکی از آنها نیستید. گپ‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای اگر در یک روند صحیح قرار گرفته باشند فرصت‌های بسیار قوی را ارائه می‌دهند.

گپ حرفه‌ای

گپ‌های حرفه‌ای واکنش‌های قدرتمندی در مقابل Imbalance‌های تایم‌فریم‌های بزرگتر یا نواحی Flip (به معنای تبدیل سطح و تبدیل حمایت به مقاومت و برعکس می‌باشد) هستند. گپ قیمتی می‌تواند در شرایط مختلف اعم از یک رویداد خبری، فشار خرید و فروش نهادی و یا هر رویداد دیگری ایجاد شود. در واقع گپ حرفه‌ای معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که یک روند در تایم‌فریم بزرگتری که کنترل را در اختیار دارد رخ دهد و یا یک ناحیه Flip قدرتمند وجود داشته باشد. وقتی که این گپ به وجود می‌آید احتمالاً در تایم‌فریم پایین‌تر، Imbalance جدیدی خواهیم داشت که مستعد تبدیل شدن به Imbalance‌ای در تایم‌فریم بزرگتر خواهد بود.

گپ غیر حرفه‌ای

این نوع گپ‌ها معمولاً در Imbalance تایم‌فریم بزرگتر و یا در نزدیکی آن اتفاق می‌افتند، معامله‌گران غیرحرفه‌ای معمولاً در عرضه‌ی تایم‌فریم بزرگتر، احتمالاً براساس ورودی تایم‌فریم پایین‌تر و نوعی رویداد خبری

یا استراتژی‌های مبتنی بر اندیکاتورهای دارای تاخیر می‌خرند. گپ‌های غیرحرفه‌ای آن دسته از معامله‌گرانی را که از Imbalance عرضه و تقاضا مطلع نیستند و یا آنچه روند کلی به آنها تحمیل می‌کند، به دام می‌اندازند، بنابراین این معامله‌گران اغلب خود را در سمت اشتباه یک معامله می‌یابند.

در هنگام مشخص کردن یک گپ باید برخی مطالب را به خاطر بسپارید، این مثال‌ها درباره گپ‌های صعودی هستند، مخالف این‌ها در گپ‌های نزولی کاربرد دارند:

- یک گپ صعودی در قیمت، در یک روند صعودی، یک فرصت خرید با شانس موفقیت بسیار بالا در پولبک به ناحیه تقاضای بالقوه ایجاد شده می‌باشد. هنگامی در حرکت رو به بالا حاشیه سود قابل توجهی وجود دارد که هیچ ناحیه عرضه تایم‌فریم بزرگتری در نزدیکی و یا تحت کنترل آن نباشد.
- یک گپ صعودی قیمت، در داخل محدوده عرضه در تایم‌فریم بزرگتر پس از یک Rally قدرتمند و در حالی که روند کلی نزولی است، یک فرصت معاملاتی خرید با احتمال موفقیت اندک است. وقتی آن محدوده عرضه حذف می‌شود به طور بالقوه می‌تواند به یک موقعیت با احتمال بالا تبدیل شود.

گپ‌های بسیار بیشتری وجود دارند که می‌توانیم در مورد آنها صحبت کنیم. به خاطر داشته باشید که حد نهایی و ایده‌آل Imbalance عرضه و تقاضا یک گپ است. به جای اینکه به کندل‌های رنگی روی نمودار نگاه کنید، کمی عمیق‌تر به رفتار قیمت نگاه کنید و سعی کنید جریان سفارشات پشت صحنه را درک کنید که عامل ایجاد آن کندل‌ها هستند. این افکار و ایده‌های اساسی احتمالاً به شما امتیاز و برتری خواهد داد.

همیشه محدوده را طوری ترسیم کنید که دقیقاً در پایین یا بالای گپ قرار بگیرد، نه محدوده قبل از آن. منشأ Imbalance همیشه در منشأ گپ است.

نئوویو سنتر

نمونه فایل ترجمه آلفونسو مورنو : 3

NEOWAVE CENTER

نئوویو سنتر



یک گپ نشان دهنده Imbalance فوق العاده است یعنی فشار خرید و فروش خیلی زیاد که در آن سفارشات انجام نمی‌شود و گپ‌های صعودی یا نزولی را ایجاد می‌کند (ناحیه‌ای خالی که در آن قیمت هیچ عملکردی ندارد) در بدترین قیمت

گپ‌ها معمولاً (نه همیشه) در مدت کمی بعد از ایجاد شدن پر می‌شوند

در این مثال ما دو Imbalance قدرتمند در [1] و [2] داریم

یک Imbalance بالقوه تحت دو سناریو ایجاد می‌شود:

Imbalance بالقوه و خود Imbalance (تایید شده) از ایمپالس‌های نزولی یا صعودی ایجاد می‌شوند.

هر Imbalance‌ای از یک ایمپالس ساخته می‌شود، اما همه ایمپالس‌ها لزوماً به یک Imbalance تبدیل نمی‌شوند.

به همین دلیل همه ایمپالس‌ها تا زمانی که ماموریت خود را انجام نداده باشند مستعد حرکت باقی می‌مانند. ماموریت‌های سطوح (کاری که انجام می‌دهند) بسیار ساده هستند، در اینجا فقط دو مورد وجود دارد:

1. یک Imbalance بالقوه، Imbalance مخالف را حذف می‌کند

(و/یا)

2. در صورتی که قیمت یک خط روند را با یک یا چند کندل کامل OHLC بشکند، Imbalance بالقوه

به وجود می‌آید. این خط روند باید دو قله/دره آخر و یا سه CP متوالی (و یا بیشتر) را به هم متصل کند.

هر دو سناریو می‌توانند به طور همزمان رخ دهند، به همین دلیل است که من از دستور (و/یا) که در جبر به آن عملگر بولی می‌گویند، در قانون بالا استفاده می‌کنم. وقتی که فقط یکی از معیارها برآورده شود Imbalance مورد تایید است.

لطفاً توجه داشته باشید که در درس بعدی نحوه‌ی درست ترسیم خطوط روند معتبر را خواهید آموخت که به عنوان دومین معیار باید به شما کمک کند.

• **Imbalance** که یک محدوده‌ی مخالف را حذف می‌کند، بسیار قوی‌تر از **Imbalance** است که فقط یک خط روند را می‌شکند.

• **Imbalance** که یک محدوده‌ی مخالف را حذف می‌کند و خط روندی را بشکند، قوی‌تر از **Imbalance** است که فقط یک خط روند را می‌شکند.

Imbalance را می‌توان به روش زیر تفکیک کرد:

• **(قله، دره، CP) بالقوه:** همه‌ی این‌ها **Imbalance**‌های بالقوه هستند، نه بیشتر، نه کمتر، محدوده‌های که می‌توانید به عنوان محدوده‌های بالقوه مورد علاقه ترسیم کنید.

• **محدوده‌ی عرضه/ تقاضای تأیید شده:** **Imbalance** که خط روند را بشکند یا محدوده‌ی مخالف را حذف کند. این **Imbalance** تایید شده است و به یک تحلیل از بالا به پایین و امتیازدهی سطوح نیاز است.

• **محدوده‌ی عرضه/ تقاضای قابل معامله:** **Imbalance** پس از امتیازدهی قابل معامله خواهد بود و این شامل تجزیه و تحلیل مولتی تایم فریمی و قانون اصلی بازتنظیم می‌باشد.

1. Imbalance مخالف حذف می‌شود:

درک این اصل بسیار حیاتی است، چرا که این قاعده‌ی اصلی روش تحلیل است. بیایید از یک تشبیه استفاده کنیم تا به شما در درک بهتر این مفهوم کلیدی کمک کند.

برای لحظه‌ای **Imbalance** را به شکل 2 بوکسور وزن متوسط در یک رینگ بوکس در نظر بگیرید. مبارزه آغاز می‌شود، چه کسی برنده می‌شود؟ آن مبارزی که 10 ضربه به سر حریف بزند یا آن کسی که در 10 ثانیه یا بیشتر حریفش را ناک اوت کند؟ بدیهی است که کسی برنده می‌شود که حریف خود را ناک اوت کند.

مناطق عرضه و تقاضای با احتمال موفقیت بالاتر به همین روش کار می‌کنند، فقط وقتی تقاضا (بوکسور 1) بر عرضه (بوکسور 2) غلبه کند، می‌توانیم در نظر بگیریم که تقاضا تأیید شده و معتبر است. چرا؟ زیرا قدرت

Imbalance تقاضا (خرید) می‌تواند قدرت فروش عرضه مخالف را مغلوب خود سازد. این بازی قدرت است، احتمال بقاء سمتی که برنده می‌شود در صورتی بیشتر است، که روند هم‌جهت با آن حرکت کند.

* حال تصور کنید بوکسور 1 (محدوده Imbalance روزانه) در واقع با یک بوکسور سنگین وزن 2 (محدوده عرضه/تقاضای هفتگی) مبارزه کند، اکنون نظر شما در مورد بوکسور 1 چیست؟ به او گفته شده است که باید بسیار چابک و به شدت قوی باشد، در غیر این صورت هرگز نمی‌تواند بوکسور سنگین وزن را ناک اوت کند. اگر چه او کم وزن‌تر از حریف است اما احتمال این که با یک مشت حریفش را ناک اوت کند نیز هست. یک یادداشت مهم در مورد این مفهوم:

- ایجاد یک سقف بالاتر یا کف پایین‌تر توسط قیمت به یک منطقه اعتبار نمی‌دهد : Imbalance باید محدوده‌های مخالف را هم حذف کند، مگر اینکه سناریوهای مربوط به سقف‌ها/کف‌های تاریخی باشد که در آن محدوده‌های مخالفی برای حذف شدن وجود نداشته باشد.

- ناحیه حذف شده درون ناحیه مخالف تایم‌فریم بالاتر : اگر یک محدوده تقاضا با تایم‌فریم 4 ساعته وجود داشته باشد که بر عرضه مخالف با تایم‌فریم 4 ساعته غلبه کند، ولی آن عرضه با تایم‌فریم 4 ساعته، خود در یک محدوده عرضه با تایم‌فریم روزانه یا بزرگتر قرار گرفته باشد، حذف آن محدوده باعث نمی‌شود که منطقه تقاضا قابل معامله باشد، این یک راه طولانی است و ما به جای آن به یک عرضه حذف شده با تایم‌فریم روزانه نیاز داریم. همین امر در مورد یک محدوده تقاضا با تایم‌فریم روزانه که یک محدوده عرضه مخالف با تایم‌فریم روزانه را حذف می‌نماید، وجود دارد اما آن محدوده عرضه در دل ناحیه عرضه هفتگی واقع شده است. قیمت فراکتالی است، قوانین در تمام تایم‌فریم‌ها و ترکیبات توالی مشابه اعمال می‌شوند.

- شاخص بورس لندن (fste100) FOOTSIE UK 100

ناحیه عرضه هفتگی در [1] توسط ناحیه تقاضا در تایم‌فریم هفتگی در [3] به اندازه دو تیک حذف می‌شود (قیمت به اندازه دو تیک از آن فراتر رفته است).

نئوویو سنتر



قیمت می‌تواند به اندازه کمی در حد یک پیپ / تیک از Imbalanceها فراتر رود و Imbalanceهای مخالف را ایجاد کنند.



نمودار روزانه EURUSD

تقاضای روزانه در موقعیت [1] با شکسته شدن خط روند نزولی ایجاد می‌شود. عرضه روزانه در موقعیت [2] باعث شکسته شدن خط روند صعودی و حذف ناحیه تقاضای روزانه در موقعیت [1] می‌شود.



نئوویو سنتر



نئوویو سنتر

قوانینی وجود دارند که به ما کمک می‌کنند تا رایج‌ترین الگوهای Base در کندل استیک را شناسایی کنیم که ما معمولاً آنها را در Base به عنوان یک Imbalance می‌بینیم. این کندل‌ها معمولاً یک سری کندل‌های 50%، الگوهای Engulfing (اینگالفینگ/پوشاننده) و الگوهای Piercing (پیرسینگ/نافذ) هستند.

قوانین تعیین می‌کنند که همه کندل‌های 50% نمی‌توانند به عنوان Base یا وقفه در بازار استفاده شوند. شناسایی کندل‌های 50% در یک نمودار قیمت لزوماً به این معنی نیست که ما یک Base بالقوه را مشخص کرده‌ایم.

چگونه می‌توانیم بفهمیم که کندل 50% می‌تواند به عنوان قسمتی از Base یا وقفه استفاده شود؟

راهنمایی مانند کندل‌های دارای دامنه نوسان بالا (High Wave)، کندل‌های دارای سایه‌های بزرگ و کندل‌های دوجی، چکش‌ها/شوتینگ استارها (ستاره‌های دنباله‌دار) وجود دارند که در این درس توضیح داده شده‌اند. این الگوهای کندلی که به آنها اشاره کردم برای اینکه بخشی از Base یا وقفه بالقوه باشند مناسب نیستند زیرا نشانه بلاتکلیفی هستند. معمولاً تعداد فروشندگان در یک کندل با سایه بلند یا کندلی با دامنه نوسان بالا با تعداد خریداران برابر است که توازن را به تصویر می‌کشد نه Imbalance (عدم توازن) را. از آنجایی که ما Imbalance‌های عرضه و تقاضا را معامله می‌کنیم (نه توازن‌ها را)، باید به الگوهای کندلی که این Imbalance را نشان می‌دهند متکی باشیم نه آنهایی که همانند کندل‌های سایه‌دار توازن را نشان می‌دهند.

کندل Failed ERC چیست؟

من فکر نمی‌کنم پیش از این چیزی در مورد کندل Failed ERC شنیده باشید. این مفهومی است که من در تلاش برای توضیح شکل‌گیری برخی کندل‌ها پیشنهاد کرده‌ام. بیایید با این پرسش که کندل ERC چیست شروع کنیم. ERC مخفف Extended Range Candle یعنی کندل بزرگی که معمولاً در 80%-90% کل محدوده کندل Close می‌کند (فاصله از کف تا سقف آن). لطفاً توجه کنید که اصطلاح Failed ERC (ERC ناموفق) می‌تواند یکی از الگوهای کندلی بی‌شماری باشد که می‌توانید در بسیاری از کتاب‌های کندل‌شناسی پیدا کنید. من فقط الگوهای پایه کندلی را می‌شناسم و روی یادگیری همه آنها وسواس ندارم، در واقع نیازی به آنها ندارم.

یک Failed ERC را می‌توان به عنوان یک کندل تعریف کرد که مانند یک ERC (کندل بزرگ) است که در بسته شدن در محدوده بالای کندل ناموفق است و بدنه آن 50 درصد یا میزان کمتری از کل محدوده کندل است. Failed در نهایت یک کندل 50% است اما این یک وقفه نیست زیرا یک کندل قدرتمند و بزرگ است.

آیا Failed ERC می‌تواند اولین قسمت از بازوی دوم یک Imbalance باشد؟

بله، تا زمانی که کندل‌های Failed ERC واضح بوده و بدنه بسیار بزرگی داشته باشند می‌توانند بخشی از بازوی ورودی و خروجی هر Imbalance باشند.

چگونه می‌توان میان کندل‌های ERC و کندل‌های Failed ERC تمایز قائل شد اگر آنها کم و بیش یکسان به نظر برسند؟

- سایه‌های بالا و پایین یک کندل Failed ERC معمولاً بلندتر هستند.
- بدنه معمولاً به طور تقریبی دو برابر یا بزرگتر از میانگین اندازه کندل‌های 50% است.
- بدنه یک کندل Failed ERC از میانگین کندل 50% در هر نمودار یا تایم‌فریم بزرگتر است. هر نمادی (جفت ارز، قرار داد و ...) خصوصیات خاص خود را دارد، ما باید هر نمادی را تحلیل کنیم و موقعیت اندازه میانگین کندل و ساختار کندل 50% (Base) را پیدا کنیم. اگر ساختار کندل 50% دو برابر یا بیشتر از میانگین کندل 50% باشد یک وقفه نیست بلکه یک کندل Failed ERC است.
- یک کندل Failed ERC معمولاً بعد از یک یا دو کندل قوی ERC اتفاق می‌افتد. Failed ERC با ایجاد بدنه‌ای بسیار بزرگ و سایه‌های بلندتر از میانگین کندل 50%، وجود ضعف در حرکتی قوی را نشان می‌دهد.
- کندل‌های Failed ERC معمولاً هنگام شکست قیمت، خروج از Imbalance بالقوه یا واکنش به Imbalance در تایم‌فریم بزرگتر رخ می‌دهند. کندل‌های Failed ERC معمولاً شانس کمتری دارند و تمایل دارند وقتی که یک Imbalance تایم‌فریم بالاتر کنترل را به دست می‌گیرد، حذف شوند.

آیا یک کندل Failed ERC می‌تواند یک Imbalance در نظر گرفته شود؟

خیر، نمی‌تواند. یک کندل Failed ERC متعلق به دسته ERC است به این معنا که یک حرکت قوی و انفجاری است و یک حرکت انفجاری هرگز به عنوان بخشی از Base یا وقفه در بازارها نخواهد بود بلکه همیشه بازوی اول یا دوم یک حرکت ایمپالس خواهد بود.

اگرچه یک Failed ERC نمی‌تواند به تنهایی یک Imbalance باشد اما اگر بخشی از یک الگوی اینگالفینگ یا پیرسینگ باشد آنگاه قله/دره‌ای را شکل می‌دهد که می‌تواند یک Imbalance در نظر گرفته شود

NEOWAVE CENTER

نمونه فایل ترجمه آلفونسو مورنو : 5

نئوویو سنتر

وقتی که برنامه‌ریزی نمی‌کنید یعنی اینکه برای شکست خوردن برنامه‌ریزی می‌کنید. اگر در معامله‌گری و نیز هر کسب و کاری برای به دست آوردن موفقیت جدی باشید باید به طور کورکورانه واژه‌ها را دنبال کنید گویی که آنها را بر روی سنگ حکاکی کرده‌اند.

اگر یکی از معامله‌گران انگشت شماری باشید که برای خود یک پلان معاملاتی را نوشته‌اید خوش‌شانس هستید! ولی نوشتن یک پلان معاملاتی موفقیت شما را تضمین نمی‌کند. شما فرایند حذف یکی از موانع اصلی یعنی احساسات را شروع می‌کنید بنابراین یک پلان معاملاتی را ایجاد کنید و معامله همانند یک ربات را آغاز نمایید. اگر پلان شما از تکنیک‌های معیوب استفاده کند یا فاقد تمهیدات لازم باشد موفقیت شما به سرعت به دست نمی‌آید ولی شما دست کم در موقعیتی خواهید بود که از طریق اجرای پلان معامله‌گری خود آن نقایص را کشف نموده و آن را طی فرآیند مربوط به آن برطرف نمایید. با ثبت کامل فرایند خواهید دانست که چه چیزی کار می‌کند و چه چیزی کار نمی‌کند و چگونه باید از اشتباهات تکراری و پرهزینه جلوگیری کنید.

معامله‌گری یک کسب و کار است بنابراین برای اینکه موفق باشید باید با آن همانند یک کسب و کار برخورد کنید. خواندن کتاب‌های معامله‌گری، مطالعه استراتژی‌های چندگانه، خرید بهترین نرم‌افزارهای معامله‌گری و باز کردن یک حساب یا شروع کردن به انجام معامله قسمتی از یک پلان معامله‌گری نیست بلکه این دستورات عملی برای یک فاجعه و حادثه بد است. اگر از یک پلان معامله‌گری که خوب نوشته شده است پیروی نکنید در هر زمانی که تلاش می‌کنید که در هر بازاری معامله انجام دهید محکوم به فنا هستید.

قبل از اینکه شروع به معامله‌گری بنمایید باید یک پلان معامله‌گری را بنویسید که ملکه ذهن شما باشد و باید همیشه مورد ارزیابی مجدد قرار گیرد. با بالاتر رفتن مهارت و افزایش درک معامله‌گر از بازار، پلان معامله‌گری او نیز در معرض تغییر قرار می‌گیرد. هر معامله‌گری باید پلان معامله‌گری مخصوص به خود را بنویسد و به سبک معامله‌گری و اهداف خودش توجه کند. استفاده از پلان معامله‌گری شخصی دیگر تضمین نمی‌کند که بتوانید درست همانند آن شخص آن را اجرا نمایید.

معامله‌گرانی که دائماً برنده می‌شوند با معامله‌گری همانند یک کسب و کار برخورد می‌کنند. در حالی که هیچ تضمینی وجود ندارد که بتوانید درآمد داشته باشید اگر بخواهید دائماً موفق باشید و در بازی معامله‌گری در بازار زنده بمانید، داشتن یک پلان معاملاتی حیاتی است.

چه مولفه‌هایی یک پلان معاملاتی خوب را می‌سازند؟

مهارت‌ها و برتری شما به عنوان یک معامله‌گر

آیا واقعاً آمادگی معامله بر اساس این استراتژی را دارید؟ آیا این استراتژی عرضه و تقاضا را بر روی کاغذ تست کرده‌اید؟ آیا مطمئن هستید که آن استراتژی کار خواهد کرد؟ آیا می‌توانید بدون هیچگونه تردیدی از تصمیمات معاملاتی خود پیروی کنید؟

حرفه‌ای‌ها بر اساس احتمالات و یک برتری معامله می‌کنند. آنها قمار نمی‌کنند. به عنوان معامله‌گران عرضه و تقاضا برتری شما همین عرضه و تقاضا است یعنی با استفاده از رد پای معامله‌گران بزرگ و دایناسورهای بازار (معامله‌گران نهادی).

یک معامله‌گر حرفه‌ای هر روز آمادگی آن را دارد که پلان معاملاتی خود را به اجرا بگذارد، او آمادگی آن را دارد که از باقی مردم که پلان معامله‌گری ندارند و پولشان را با ارتکاب اشتباهات یکسان و مرتب از دست می‌دهند پول بگیرد. به عنوان مثال معاملات خلاف روند با احتمال موفقیت پایین، خرید در تایم‌فریم بالاتر عرضه/تقاضا یا بعد از یک Rally بسیار قدرتمند تنها چند اشتباه رایجی است که این افراد مرتکب می‌شوند.

بیش از اندازه درگیر این نشوید که یک سطح را درست یا اشتباه ترسیم می‌کنید، زیرا در سطوح بسیار اندکی به صورت ایده‌آل وجود دارند و در باقی سطوح (غیر ایده‌آل) درست و غلطی و روش کاملی برای ترسیم وجود ندارد. تفاوت آنها اندک است و من ممکن است در روزهای مختلف آنها را به شکل متفاوتی ترسیم نمایم و بنابراین تحلیل و نتیجه‌گیری من هم اندکی متفاوت خواهد بود زیرا مغز شما تجربه بیشتری را به دست می‌آورد و می‌داند که باید آنها را اندکی تغییر بدهد. البته بعضی از سطوح بسیار واضح هستند و تنها یک روش برای ترسیم آنها وجود دارد مثلاً الگوهای اینگالفینگ صعودی و نزولی نمونه‌هایی از آنها هستند. تقریباً تمام تصمیمات شما در معامله‌گری نباید منجر به نگرانی زیادی شود و تنها منجر به آن شود که بپذیرید که در حدود 40 - 50 درصد اوقات شما درست خواهید گفت و 40 - 50 درصد اوقات اشتباه خواهید کرد.

مدیریت احساسات

آیا از نظر احساسی و روانشناسی آمادگی مبارزه در بازار را دارید؟ احساسات در هر زمانی که بازار را تحلیل می‌کنید کنترل را به دست خواهند گرفت و باید پلان قدرتمندی داشته باشید تا با عصبانیت، ترس، درد و طمع خود مبارزه کنید. زیرا اگر این کار را نکنید احساسات پلان معاملاتی شما را نابود خواهد کرد. باید کنترل مناسبی بر روی احساساتتان داشته باشید تا پلان معامله‌گری خودتان را اجرا نمایید. اگر به احساسات خود اجازه دهید که بر شما مسلط شوند همواره حساب معاملاتی خود را بر باد خواهید داد.

این دشوارترین جنبه معامله‌گری است. ممکن است چندین کتاب را بخوانید و در تشخیص ستاپ‌های معاملاتی و انجام معامله عالی باشید ولی اگر احساساتتان کنترل معاملات و اهدافتان را در اختیار داشته باشد، موفق نخواهید شد.

برای خرید پکیج کامل پرایس اکشن Set & Forget
اثر آلفونسو مورنو به سایت نئوویو سنتر به آدرس
www.neowave.ir رجوع فرمایید

نئوویو سنتر